

چند مدت در آب مانده غالباً ملاحظه و دقت در آن هارا لازم میدانند ولی گذشته از اینکه نمیتوان بوسیله علائم مزبور فهمید جنازه چند وقت بطور تیقن در آب مانده در تشخیص نوع مرگ هم چندان مؤثر نخواهد بود یعنی معلوم نمیشود غریق را کسی کشته بعد در آب انداخته یا خودش موجب انتحار شده یا اینکه فقط آب عامل مرگ او بوده است.

۵ - علامت دیگری که بموجب آن ممکن است تا اندازه بتتیجه واصل و قضیه را کشف نمود تراکم و انقباض سربستان زنها و آلت مردان میباشد هنگامیکه این حالت برای غریق دست داد معلوم میشود مغروق قبل از در آب افتادن جان در بدن داشته است اگر چه این قاعده هم کلیت ندارد زیرا یسکی از متخصصین امور جزائی معروف آلمان موسوم به هوفمان در سایر اموات و اجساد تجربیات و معایناتی نموده و ثابت کرده است که این حالت تراکم و انقباض برای اکثر اموات بعد از مرگ ممکن است تولید شود اما از روی آمارهای که ما بدست آورده ایم و سنجش و مقایسه که متخصصین نموده اند ۷۵ در ۱۰۰ کسانی که دارای علائم مذکوره بوده اند یاد در حال افتادن در آب جان داشته یا بعد از مرگ بلا فاصله فوراً کسی آنها را در آب انداخته است جعفر وجدانی

افتاد البته درجه حرارت بدن مساوی درجه حرارت آب خواهد شد اعم از اینکه گرم باشد یا سرد پس از روی درجه حرارت پی باصل قضیه و کشف آن غیر مقدور است ولی برای تحقیقات و معاینات کمک و معینی خواهد بود پس معلوم میشود نقصان یا اضافه بودن درجه حرارت یا برودت بتنهایی کافی برای وقوع قتل بطور طبیعی نخواهد بود باید علائم و آثار و نشانی های مختلفه مورد نظر قرار گیرد.

۲ - تغییر رنگ و چهره بطور فوق العاده که گاهی مورد تصدیق هم واقع میشود و اغلب از متخصصین قائل بآن هستند از علائم مشخصه و حتمیه غریق در آب محسوب نمیشود و ممکن است علل خارجی موجب مرگ مغروق شده باشد و بمحض مشاهده تصدیق به مغروقیت ممتنع خواهد بود.

۳ - علامت و نشانه که در اصطلاح اطباء (گوشت مرغ) نامیده میشود در بدن اشخاص غریق دیده میشود همیشه صادق نیست و در بدن اکثر اشخاصیکه بمرگ ناگهانی فوت میکنند دیده میشود.

۴ - تورم دستها و پاها و آرنجها و زانوها و تغییر چهره برنگ بنفش همیشه در جنازه هایی دیده می شود که مدتی در آب مانده اند و برای دانستن اینکه آیا جنازه

بحث در قوانین تجاری انگلستان

تشکیل قرارداد

زیرا هر گاه اعلام قصد نشود مثل اینست که بنیات قلبی اشخاص باید تکیه شود و حال آنکه قضاوت و بازرسی در نیات درونی اشخاص از قدرت قانون بیرون است. قصد و موضوع قرارداد لازم است که از حقایق مسلم الوجود باشد و هنگامی که شواهدی برای

قرارداد هنگامی الزام آور میشود که میانه دو یا چندین شخص منعقد و در آن خصوص موافقت حاصل آمده باشد - بنا بر قوانین انگلستان این اشخاص میباید دارای قصد واحد بوده و آنها هم اعلام نموده باشند

آن را ثابت نماید لازم الاجرا شناخته میشود یا خیر در مقالات آینده مورد بحث ما واقع خواهد گشت .
گاه میشود که عرضه و قبول احتیاجی بمبادله الفاظ و گفتگوی مقدماتی ندارد و صرفاً خط مشی و طرز عمل کافی است که قرار دادی بوجود آورد . قرار داد نوع اول را که با عرضه و قبول زبانی منعقد میشود مبین مینامند و نوع دوم را با اصطلاح بازار های ایران (کالی بکالی) مینخواهند . برای قرارداد کالی بکالی مثال بسیاری زیر چشم داریم از آن جمله مالک یک اتوبوس بوسیله راه انداختن آن فی الحقیقه عرضه مینماید که در خط سیر معین بمبلغ معلوم اشخاصی را حمل و نقل میکند و همینکه مسافر بدرون خود رورفته برصندلی نشست اعلام قبولی نموده است .

یک شرکت راه آهن بوسیله اعلان ساعات حرکت قطار در واقع عرضه نموده است که اشخاصی را تحت شرایطی که در آئیننامه وی مندرج است حمل کند و بمجردیکه یک نفر در باجه پولی تسلیم و بلیطی گرفت عرضه شرکت را قبول و قرارداد منعقد گردیده است .

در یکی از دعاوی متشابهه سال (۱۸۷۶) شاکی از روی برنامه راه آهن شمالی انگلستان که در ایستگاه برلوحه اعلام و آویخته بود چنان میدانست که قطار در ساعت ۷ بعد از ظهر از نقطه (پ) بمقصد (ج) حرکت میکند و حال آنکه کمپانی راه آهن برنامه را تغییر داده بود بدون آنکه لوحه اعلام را طبق آن عوض کرده باشد . شاکی با قطار عازم شده در پایان خط می بیند بجای آنکه بمقصد (ج) رسیده باشد اینک بنقطه (م) رسیده و دیگر قطار بنقطه (ج) نخواهد رفت .

در نتیجه این پیش آمد شاکی دعوی خسارت نمود و کمپانی محکوم به پرداخت خسارت گردید زیرا داد گاه همان لوحه را بمنزله قرار دادی شناخت که میان شرکت با افرادی که وارد ایستگاه شده بلیط میخرند انعقاد مییابد .

درک قصد طرفین قرار داد صریحاً یا بطور ضمنی بدست نیاید اینطور نتیجه گرفته میشود که میانه طرفین موافقت کاملی پیدا نشده و بنا براین قرار دادی هم انعقاد نیافته است .

وجود موافقت طرفین در قرارداد بقدری مهم است که بنا بر قوانین عرفی انگلستان هر گاه در باره شخصی که طرف قرارداد بوده اشتباهی رود صرف همان اشتباه در قراردادهای معلوم الطرفین مورت فسخ معامله خواهد شد مگر آنکه طرف منعقد کننده قرارداد حاضر باشد همان معامله را با همان شرایط با اشخاص ثالثی نیز انجام دهد .

مثال این چنین است که فرضاً بازرگانی حاضر است یک توپ اطلس را بهوشنک نام و ایسته خودش بقیمت هزار ریال بفروشد حال هر گاه راضی نشود همین معامله را با خریدار دیگر بکند البته اشتباه در هویت هوشنک موجب فسخ قرارداد میشود مگر آنکه راضی باشد بهمین قیمت هزار ریال یک توپ اطلس را بهر خریدار دیگری نیز بفروشد که در آن صورت فسخ قرارداد مورد ندارد .

عرضه و قبول

قانون انگلیس میگوید که در مقدمه هر قراردادی میباید نوعی از عرضه و قبول هر چند که مجمدهم بوده باشد صورت پذیرد و اما تشخیص اینکه زمینه یا مقدمه قرارداد و طریقه ورود طرفین در انعقاد آن بکدام منوال بوده ضروری نیست .

ساده ترین مثال عرضه و قبول طریقه خرید و فروش اجناس میباشد - فروشنده ممکن است بگوید: « آیا میل دارید این اجناس را بفلان مبلغ بخرید؟ » همینقدر که خریدار بلفظ « آری » پاسخ دهد فی الحقیقه قرارداد میان طرفین کامل و منعقد گردیده است و اما اینکه چنین قراردادی بدون نوشته و سندی که انعقاد

از آن زمان ببعد شرکت های راه آهن برای حفظ خود از این قبیل محکومیت ها شرایط مخصوصی طی برنامه هائی که اعلان می کنند مندرج ساختند. نمونه دیگر موردی است که فروشنده متاع خود را برای فروش گسترده و راهگذری رسیده با رضایت فروشنده چیزی از آن امتعه بقصد خریداری بر میدارد - صرف همینکه خریدار مال را بقصد خرید برداشت بمنزله آنست که قراردادی میان طرفین انعقاد یافته باشد. فروشنده برای فروش عرضه داشت و خریدار راضی بخريد شد بقیمت معین و معلوم. در حراجی ها هر فریادی که حراج کننده میزند بمنزله يك عرضه میباشد و هنگامی که آخرین چوبش را کوفته پائین آورد فی الحقیقه قبول عرضه را اعلام نموده است. همچنین هنگامی که یکنفر اسبابی را برای تعمیر تسلیم استادی مینماید این عمل بنا بر جریان عادی بازار نوعی از عرضه میباشد که مزد معینی در عوض تعمیر برعهده میگیرد بپردازد و رویه استاد که متعهد میشود آن اسباب را با مهارت تعمیر کند بمنزله قبولی آن عرضه محسوب است.

هنگامیکه مقدمات قرارداد بوسیله مکاتبه انجام یابد تعیین موقع معین عرضه و تاریخ حقیقی قبول غالباً دوچار اشکال میگردد و لیکن دادگاههای انگلستان عادتاً با رسیدگی به نامه های طرفین عرضه و قبول را پیدا میکنند چیزی که هست گاهی در بعضی قضایا چنان پیش آمده که تشخیص اینکه کدام طرف طی نامه خود عرضه نموده و کدام طرف قبول کرده بدشواری میسر شده است. در یکی از دعاوی متشابه سال (۱۸۷۹) دادگاه رأی داد جمیع مکاتبات طرفین رسیدگی شود هر گاه از مطالعه همگی بتوان استنباط کرد که اتحاد فکر میان طرفین وجود داشته البته قراردادی بوجود آمده و گرنه قرارداد منعقد نشده است.

همینقدر که دریافتیم يك عرضه معین قبول شده

است باید بگوئیم که قراردادی در میان منعقد گردیده و معتبر است و بر فرض آنکه طرفین در نظر داشته باشند که قراردادی بصورت رسمی تر و کاملتر بعد ها منتظم سازند این نظر مانع اعتبار قرارداد اجمالی فعلی نمیشود مگر آنکه در این قرارداد تنظیم قرارداد کاملتری شرط شده باشد که در آن صورت البته قرارداد فعلی مؤثر نخواهد بود تا آن شرط انجام پذیرد. معذک در این زمینه مواردی پیش آمده است که تطبیق آنها با قاعدهای که در بالا یاد شد دشوار میباشد و جای آنست که تفسیر دادگاه انگلستان را در یکی از دعاوی متشابه (سال ۱۹۱۲) بلحاظ روشن ساختن موضوع نقل کنیم:

«... هر گاه از یاد داشت ها و نامه هائیکه مدرک وجود قرار داد میباشد چنان ادراک شود که انعقاد قرارداد مبسوط تری میان طرفین در نظر گرفته شده بوده میباشد تشخیص داد که آیا آن قرارداد ثانوی شرط وجود قرارداد بدوی بوده است یا آنکه در نظر گرفتن آن قرارداد بمنزله تمایلی بوده است که فقط طرفین اظهار نموده اند تا طی يك قرارداد ثانوی طریقه انجام معامله نیکه موضوع قرار داد بدوی است معلوم گردد. در صورت اول مسلم است که قرارداد بدوی لازم الاجری نخواهد بود زیرا مشروط بشرطی بوده که عبارت است از تنظیم قرارداد ثانوی و آن شرط بعمل نیامده و بعلاوه ادغام يك قرارداد در دل قرارداد دیگر از لحاظ قانون درست نیست. و اما در صورت دوم میباشد قرارداد بدوی را الزام آور دانست و اشاره بقرارداد رسمی تر و کاملتر را بکلی نادیده انگاشت.»

قواعد عرضه

۱ - بنا بر قوانین انگلستان ممکن است عرضه به يك شخص معین یا به هر فرد و بجمیع افراد بطور عموم بعمل آید ولیکن بهر حال مادام که عرضه را يك شخص معلوم قبول ننماید قراردادی بوجود نیامده است.

مثلاً طی يك آگهی که انتشار یافته برای عملی اجری معین شده آن کسیکه شرایط مقرر اعلان را انجام داد در بردن اجر حق قانونی احراز کرده است و هر چند که قبولی خود را نسبت به عرضه خبر نداده باشد معذک رویه او مکفی است که قبولی او را محرز نماید و همچنین دادن جایزه که طی اعلان وعده داده شده بکسی که مثلاً مجرمی را کشف یا دستگیر نماید این وعده الزام آور میشود حتی در موردیکه کاشف از مأمورین آگاهی باشد ولی در این کشفیات بیش از حدود وظیفه خود کوشیده باشد اعطای جایزه الزامی خواهد بود.

راجع به الزام آور شدن نظایر این معامله قضیه (کارلیل و . شرکت کاربولیک اسموک بال سال ۱۸۹۳) شایان تذکر است . مشتکی عنه که شرکت نامبرده باشد اعلانی منتشر نمود که هر کس حب های (اسموک بال) ساخت ویرا طبق دستور چاپی که همراه آنست استعمال کند و معذک از مرض آنفلوانزا خلاصی نیابد شرکت صدلیره باو خواهد پرداخت . شاکی کاملاً طبق دستور عمل کرد و باز هم گرفتار آنفلوانزا ماند . دادگاه چنین رای داد که اعلان شرکت بمنزله عرضه قرارداد و عمل کردن شاکی طبق دستور بمنزله قبولی آن عرضه بوده و روش معامله نشان میدهد که اعلام قبولی آن عرضه به هیچوجه ضرورت نداشته و بنابر این قرارداد الزام آور و مشتکی عنه ملزم است مبلغ صدلیره بشاکی بپردازد . باز هم نظیر این واقعه قضیه (وودو . لتریک سال ۱۹۳۲) بود . باشگاهی اعلان کرد خادیت شانۀ ساخت وی آنست که هر کس آنرا بکار ببرد موی سرش قوت گرفته از نو صاحب طره پریشتی خواهد شد و هر گاه استعمال کننده این خاصیت را از آن شانۀ در نیابد باشگاه نامبرده مبلغ پانصد لیره باو غرامت خواهد پرداخت . دادگاه مشتکی عنه را محکوم نمود که پانصد لیره به شخصی که شکایت مینمود شانۀ اعلان شده خاصیتی را که مدعی شده اند نداشته نقداً بپردازد .

۲ - شخصی که اقدام به عرضه مینماید می تواند هر گونه شرطی را که مایل باشد طی آن بگنجاند و نیز

راجع بقبول عرضه هم هر قیدی را که بخواهد میتواند مقرر بدارد البته احدی مجبور بقبول آن عرضه نمیشد ولی اگر هر گاه کسی بخواهد عرضهئی را قبول نماید میباشد تمامی قیود مقرر را انجام دهد هر چند که آن قیود مضحك و عجیب باشد .

۳ - هنگامیکه يك عرضه حائز قیود متنوع بوده باشد می بایستی دقت شود که تمامی آنها باطلاع طرف مقابل برسد . اثبات اینکه آیا تمامی قیود و شروط مقرر بطرف مقابل اعلام شده است یانه منوط است بحکمیت هیئت منصفه . مراعاتی از این قبیل غالباً با کمپانی های راه آهن و کشتی رانی پیش می آید مثلاً در بلیط مسافرت یارسیدی که برای بار و اسباب مسافر میدهند شرایطی چاپ شده آیا صرف چاپ شدن این شرایط در بلیط یارسید برای اطلاع گیرنده آنها مکفی شمرده میشود یانه بنابر رای دادگاه انگلیس هر گاه برای اعلام و اطلاع گیرنده مکفی شمرده شود حق ادعای او سلب میگردد ولیکن اگر مکفی شمرده نشود و شخص گیرنده هم از حدود حزم و احتیاط تجاوز نموده باشد دادگاه ادعای او را میپذیرد چنانچه در قضیه (هندرسن و . در یکی از دعای متشابه سال (۱۸۷۵) این اصل مجری گشت . مسافری بلیط سفر گرفت روی بلیط نوشته شده بود (دوبلن و وایتهاون) مسافر در بلیط دقت نکرده بکشتی نشست و ضمن این سیاحت اسبابش مفقود شد . طی ادعائی که بر علیه شرکت کشتی رانی اقامه نمود شرکت پاسخ داد که در پشت بلیط اخطار نموده ایم که مسئولیت هر گونه گم و نیست شدن اسباب متوجه شرکت نخواهد بود .

شاکی اظهار نمود که او پشت بلیط را ندیده و دادگاه شرکت را مسئول دانست در این زمینه که وقتی روی سند از هر جهت کامل باشد طرف مقابل موظف نیست پشت سند را هم ببیند . اما در نظیر این واقعه که قضیه (پار کرو . شرکت راه آهن جنوب شرقی سال ۱۸۷۷)

اما نمیتواند مدعی شود که هر گاه عدم قبول عرضه یعنی رد عرضه اعلام نگردد بمنزله آنست که طرف قبول نموده است. مثلاً هر گاه شخص الف بشخص ب بنویسد «من خانه خود را بشما میفروشم بمبلغ پانصد لیره و هر گاه شما باین پیشنهاد یعنی باین عرضه من جوابی نفرستادید اینجانب معامله را انجام یافته خواهم دانست» مادام که شخص ب پاسخ این نامه یا اعلام وصول آنرا ندهد مسلماً هیچگونه قراردادی فیما بین منعقد نشده است در قضیه (فلتهوس و بایندلی سال ۱۸۹۲) در باره بهاء اسبی که فلتهوس میخواست از برادر زاده خود بخرد پس از مناقشاتی فلتهوس به برادر زاده اش مینویسد: (هر گاه پاسخ دیگری از شما نرسد اینجانب در ازای مبلغ سی لیره و ۱۵ شلینگ اسب را خریداری شده و ملك خود خواهم دانست.) اینکه برادر زاده وی پاسخی به عرضه عمویش نفرستاده بود در دادگاه بمنزله عدم اعلام قبولی وی تلقی شد چنانچه بعدها شخص حراج گری بنام بایندلی اشتبهاً آن اسب را بمعرض حراج در آورده میفروشد - دادگاه نسبت بادعای فلتهوس چنین رأی داد که مشارالیه حق اقامه دعوی بر علیه حراج گری ندارد زیرا آن هنگام مالك اسب نبوده است.

همچنین پرسشی از بهاء جنسی شده و پاسخی هم بآن پرسش داده میشود این پاسخ نباید بمنزله عرضه فروش جنس قیمتی که فروشنده نوشته است شناخته گردد. در یکی از دعاوی متشابه سال (۱۹۰۴) از طرف فروشنده کوششی بعمل آمده بود که خریداران را برعایت بعضی قیود مقید گردانند و اعلامیه ای همراه اجناس فرستاده شده بود مشعر بر اینکه پذیرفتن اجناس بمنزله قرار دادی تلقی میشود که میانه خریداران و فروشندگان انعقاد یافته است. خریداران در هیچ مورد قیودی را که فروشنده مایل بوده است رعایت نمودند و چون قبولی نامه کتبی هم در میانه نبود دادگاه رأی داد که خریداران هیچگونه اجباری نداشته اند که قیود فروشنده را رعایت نمایند. رحیم زاده صفوی

باشد رأی دادگاه فرق کرد - در پشت ورقه رسیدانبار امانات مسافریین شرایطی چاپ شده و در روی رسید این جمله قید گردیده بود: «پشت را بنگر» بعلاوه یک ورقه هم حاکی از شرایط مقرر در دیوار انبار آویخته شده بود. در رأی دادگاه اشعار شد: یگانه مسئله ای که باید حکمیت بشود اینست که آیا مشتکی عنه آنچه را که از لحاظ اطلاع شاکی بشرایط مقرر لازم بوده است بعمل آورده یا نه. همیقدر که توجه طرف مقابل بوجود شرایط جلب شد میبایستی آنها را تحقیق کرده باشد و در اینجامسلم است که توجه طرف باینکه شرایطی هست جلب شده است در کلیه اینموردها معامله بمنزله قرارداد شفاهی است که میانه طرفین انعقاد یافته ولیکن شرایط طی اسنادی مندرج بوده که ادعا میشد باطلاع طرفین قرارداد رسیده است.

در قضیه (لسترانچ و گرو کوب سال ۱۹۳۴) لرد اسکروتون پیشوای دادگاهها اشعار داشت: «در مراعاتی که شرایط قرارداد روی بلیط راه آهن یا سایر اوراق امضا نشده قید گردیده است لازم است بشبوت رسد که طرف مقابل بشرایط متوجه بوده یا میبایستی متوجه بوده باشد. ولیکن هر گاه شرایط در اوراق امضا شده مندرج باشد دیگر این مراعات مورد ندارد. وقتی سند حاوی شرایط با امضا رسید برای طرف امضا کننده الزام آور خواهد بود و بحث اینکه آیا سند را خوانده و امضا کرده یا خوانده است اصلاً مورد نخواهد داشت باستثنای هنگامی که ادعای تقلب یا فریب بمیان آید که آنرا بلهجه اهل فن (انکار اصالت) سند میخوانند و یا هنگامیکه طرف مدعی شود که سند امضا شده حاکی از يك قرار داد شفاهی و قبلی است که در اینجا مقرراتش بطور غلط یادداشت شده بوده است بدینمعنی که چون قرارداد شفاهی بوده محتاج بسندی که مستند معامله باشد نبوده و بنا براین ورقه امضا شده علاوه بر مغلوط بودن بقصد استناد در معامله تحریر نیافته است.»

۴ - میباید همواره بیاد آورد که هر چند عرضه کننده میتواند طرف را از اعلام قبول معاف بدارد